



۲۰۱۸/۱۲/۱۸



ملالی موسی نظام



روز جهانی مهاجرت International Migrants Day

۱۸ دسمبر

به مناسبت موجودیت کتله های بزرگ مهاجرین در جهان و ازدیاد غیر قابل وقفه و روز افزون آنان، اسامبله عمومی ملل متحد به تاریخ ۴ دسمبر ۲۰۰۰، روز ۱۸ دسمبر را به نام روز بین المللی مهاجرین رسمیت بخشید. در آنروز در سال ۱۹۹۰ اسامبله عمومی همچنان کنوینشن حمایه از حقوق همه مهاجرین کارگر و فامیل های آنان را به رسمیت شناخته بود.

طوریکه مشاهده می گردد مهاجرت های بین المللی در حال ازدیاد بوده و تقریباً به تعداد ۱۷۵ میلیون مهاجر، در سال ۲۰۰۰ و ۲۴۴ میلیون در سال ۲۰۱۵ اضافه گردید. در حدود دو بر سه مهاجرین «۷۶ میلیون» در اروپا و «۷۵ میلیون» در آسیا زندگی میکنند و البته که بر تعداد مهاجرین ممالک دیگر نیز بسیار افزوده گردیده است. امروز ده مملکت درجه اول پذیرش مهاجرین در جهان، از سال ۲۰۰۰ به اینطرف بسیار سهم کمتری نسبت به ممالک دیگر برای خود ها تعیین نموده اند.

احصائیه نشان میدهد که از هر ده مهاجر، یکی زیر سن ۱۵ قرار دارد. با سیل و هجوم اجباری مردم ممالک در گیر جنگ های آتشین، ازدیاد فوق العاده مهاجرین، تا سال ۲۰۱۴ تعداد آنان به ۴۳۶ بلیون بالغ می گردد.

در تاریخ بشریت مهاجرت یک عنصر شناخته شده و تکراری بوده است که به علل گوناگون برای تلاش رسیدن به یک حیات بهتر با جبر زمان و یا اختیاری صورت می گیرد. جوامع بشری در زمینه حالات گوناگون مهاجرت از قرن ها مثال های مختلفی را شاهد بوده اند که حتی در عهد عتیق با وجود نبود وسائل مسافرت سریع و قابل اعتماد، مشاهده گردیده است که اقوام زیادی با تقابل با اوضاع و احوال نا مساعد جوی، عدم معلومات جغرافیایی از خط سیر و تحمل رنج و تلفات جانی و مالی از منطقه ای به منطقه دیگر کوچ نموده است. یکی از مثال های قابل یاد آوری مهاجرت، پراکنده شدن و مسافرت های اقوام آریایی مقیم حوزه هندوکش بوده که قسماً به طرف شرق و غرب رحلت نمودند و با چنان روشی، مدنیت، هنر و تجارب اجتماعی خویش را هم چنان انتقال دادند. رحلت قوم حضرت موسی «ع» از مصر به منطقه بیت المقدس امروزی به مناسبت ظلم و ستم فراعنه مصر، خود مثال دیگری از مهاجرت یک کتله بزرگ بشری در تاریخ، محسوب میگردد که با تحمل مصائب و نا ملایمی های فراوان بالاخره به «سرزمین موعود» رسیدند.

در جهان امروزی، مهاجرت ها هنوز هم برای جستجوی حیات بهتری صورت گرفته و روز افزون و رو به تزاید میباشد؛ دردا که با سپری شدن قرن های متمادی و شکوفایی وسایل ترانسپورتی و حمل نقل پیشرفته امروزی، مشاهده می نماییم که کتله های بیشماری از جمعیت بشری به شمول اطفال و خانواده ها با مشقت زیادی با خطرات غیر قابل باور راه سعب مهاجرت را پیش میگیرند.



در قرن جدید میلادی چون خشونت، جنگ و ظلم و کشتار انسان بر انسان قوس سعودی را می پیماید و با بهانه های گوناگون اختلافات دینی، مذهبی، قومی، لسانی محیط زیست را برای سکنه بیگناه در اکثر نقاط عالم به دوزخی مبدل می نمایند، لاجرم تحت هر شرایط مشکلی، ساکنین آن دیار ترک خانه و کاشانه نموده و راه مهاجرت را با تقبل یک آینده نا معلوم پیش می گیرند. بنابراین پناه گزین و مهاجر در یک صف قرار گرفته و هر دو برای رسیدن به حیات بهتری در تلاش هستند و برای رسیدن به چنین هدفی تا پای مرگ پیش می روند.

قبل از اینکه به سراغ مهاجرت در مملکت جنگ دیده ویران خویش افغانستان برویم، بیاد می آوریم که در عراق و سوریه، دو تا از آباد ترین و خود کفا ترین ممالک شرق میانه، بیشتر از یک دهه جنگ و خون ریزی و کشتار جریان دارد که نه تنها برخورد اولیای امور با مخالفین دستگاه دولتی سبب ویرانی و بربادی شان گردیده است، بلکه دست ها و سیاست های ممالک مقتدر خارجی هم به نحوی با تقابل با همدیگر دوزخی را از آتش و گلوله و تخریب آن سرزمین ها بار آورده است. در اثر حالاتی که بر ملت های مذکور عارض گردید، یک کتله بزرگ انسانی با شرایط دشوار را مهاجرت به غرب را پیش گرفتند که مشکلات زیادی برای ممالک میزبان هم فراهم شده است.



سال ۲۰۱۶ سیل مهاجرین ناخواسته با وسایل نقلیه گوناگون به رسیدن به یونان و ترکیه به هر ده و قریه ای که توانستند سرازیر گردیدند، درین مسافرت سهمناک تعداد زیادی از مردم سوریه و افغان ها در بحیره ایژه در کشتی های کوچک پلاستیکی غرق شدند و فامیل های بی سرنوشت داغدار گردیدند. بعضی از ممالک اروپای جنوبی سرحدات شان را بر روی آنان بستند و در زمستان سرد، دیدار آن مظلومان بی سرنوشت در پرده های تلویزیون، نهایت رقت بار بود. بعد از سپری شدن مدتی آلمان شروع به ارسال افغانان دوباره به وطن شان نمود که این جریان ادامه دارد؛ در حالیکه این جمیعت با عودت به افغانستان، دیگر سرپناهی و کاری ندارند و همه را از دست داده اند.

امروز در چند کیلومتری جنوب شبه جزیره عربستان با ایجاد یک تراژیدی بشری، دولت قدرتمند و سرمایه دار عربستان سعودی با همدستی چند مملکت متحد دیگر به بهانه مداخله ایران در امور یمن، آن سرزمین اسلامی فقیر و کوچک را آماج بمباردمان های چپ و راست قرار میدهد که هیچ تناسبی با تلفاتی که وارد می نماید، در نظر گرفته نمی شود، دشمنی عربستان با ایران را ملت یمن به سختی می پردازد. تعداد طفل و بزرگی که کشته و زخمی میشوند برای انتقام گیری سعودی کافی نبوده با محاصره اقتصادی حالت شیوع امراض و گرسنگی را هم بر آن ملت مظلوم فراهم مینماید؛ البته در چند کیلو متری خانه خدا و مرقد پیغمبر او! شکی نیست که چنین حالتی سبب میشود که سیل پناهگزیزان یمنی راه غرب را پیش گیرند.... چگونه، با کدام شرائط و کجا میروند؟! معلوم نیست.

با مبارزات مردم فلسطین از همان آغاز اعلامیه «بالفور» و تشکیل سرزمین اسرائیل در قلب مملکت عربی فلسطین، تا الآن در پهلوی کشتار و از دست دادن تدریجی مناطق مسکونی مردم آن دیار، با تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس جمهور امریکا مبنی بر انتقال پایتخت اسرائیل به بیت المقدس و عواقب بعدی آن، سیل جدیدی از فلسطینیان به مهاجرت اجباری پناه آورده و به آواره گان آن البته می افزایند.

در سرزمین جنگ زده ویران ما افغانستان، به جرأت می توان گفت که مهاجرت ها با اکثریت مطلق اجباری و از جور روزگاری که به مراحل مختلف حدود چهار دهه اخیر و ظلم تعدی از خود و بیگانه «آنهم البته به کمک از خود» صورت گرفته است؛ تهداب چنین حرکتی را در حالتی که مردم افغانستان امتحان علاقمندی و قناعت در بود و باش وطن را قرن ها داده بودند، بعد از اشغال سرزمین زیبای ما توسط اتحاد شوروی و به کمک جمعی وطن فروش شرف باخته آغاز یافت. در چنین حالتی ملیون ها آواره سرزمین های همسایه و دور تر از آن گردیدند و بزرگترین کتله پناه گزینان را در جهان تشکیل دادند؛ البته ملیون های دیگری هم جام شهادت را در وطن نوشیدند و هزاران ده و قریه شان هم با بمباردمان ها به خاک یک سان گردیده از بین رفت.

مهاجرین افغان در پاکستان و ایران با مصائبی دچار گردیدند و تا به حال می گردند که روی بشریت از پیش آمد اولیای امور آن دو همسایه، سیاه گردیده است. آوارگان مظلوم افغان در هر دو مملکت با نا هنجاری هایی زیادی سردچار بوده و بر خلاف اصول پذیرفته ملل متحد و کنوانسیون های آن در قبال مهاجرین، مورد هر نوع مظلوم و بیداد بشری قرار می گیرند.



در افغانستان یک نوع مهاجرت دیگری را جنگ های پیهم، بمباردمان ها، خشک سالی ها و تخریب سرزمین های بیچارگان مهاجر به وجود آورده است که به ذات خود روز افزون است؛ این جریان در داخل افغانستان از بیجا شدگان مناطق پشتون نشین در جنوب و جنوب غرب آغاز گردید که نمونه کامل و بزرگ آن کمپ های بی سرنوشت مهاجرین در یکی از مناطق بسته به شهر کابل در «چهار راهی قنبر» است که به صد ها هزار آواره بی پناه به امید نجات به پایتخت سرازیر گردیده و دیگر خانه و کاشانه و باغ و زمینی ندارند که به آن دل ببندند. این کتله مهاجرین در حالت زاری در خیمه هایی که با تکه پاره های کهنه پینه خورده یا ساخته شده، بر روی زمین نمناک و سرد زندگی بد تر از مرگ را می گذرانند.

عدم وجود امنیت با حملات پیهام و مرگبار طالب و داعش از انسانیت و اسلامیت بیرون، علت دیگری برای مهاجرت و دربدری مردم افغانستان محسوب می‌گردد چون هر گوشه و کنار آن سرزمین زیبا مورد هجوم و تخریب و کشتار انسان توسط انسان قرار می‌گیرد. روزی نیست که خانواده‌ها از کنر، جلال‌آباد، قندز، هرات، بادغیس و امثالهم راه فرار از مناطق خویش را با امید واهی و سرنوشت نا معلوم در پیش نگیرند. در حالیکه پناه گاه و معیشت شان معلوم است. البته تلفات شان از جنگ‌ها و اشتباهات قوای خارجی حد و حصری ندارد. بهر حال، به مناسبت روز جهانی مهاجرت، در حالیکه شرائط و قطع نامه‌هایی به نفع و حمایت از مهاجرین وضع گردیده است، در عمل روز به روز با قوانینی چون فیصله نامه‌های رئیس جمهور امریکا مبنی بر منع پذیرش مهاجرین «فسخ قانون پذیرش مهاجر از طریق لاتری» و یا پامال کنوانسیون‌های پذیرفته بین المللی، حیات مهاجرین و راه رسیدن به یک سرنوشت بهتر برای آن بینوایان مشکل تر می‌گردد.

پایان

